

Email:
isqt@sku.ac.ir

website:
<https://isqt.sku.ac.ir>

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology



A Study of the Concept of “Security” in the Verses of the Holy Quran

Azizollah Molavi

Faculty Member, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanities, Shahrekord University,
Shahrekord, Iran.

Article information

ABSTRACT

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Security,
fear,
righteous deeds,
Holy Quran,
thematic interpretation.

Received: 2026/02/22

Accepted: 2026/04/27

*Corresponding author:

molavie@sku.ac.ir

How to cite this paper:

Molavi, A., 1405, A Study of the Concept of “Security” in the Verses of the Holy Quran, Interdisciplinary Bi-Quarterly of Quran and Theology, 3(1), 125-142.

Security is among the most fundamental individual and social needs of human beings and one of the most significant concepts in the Qur'an. Its absence leads individuals and societies toward anxiety, moral disintegration, and spiritual decline. Therefore, a Qur'anic examination of the concept of security is not merely theoretical but also possesses profound social and civilizational implications. The Holy Qur'an regards security not simply as a social condition, but as a divine blessing and grace—an outcome of faith—realized within the framework of belief, righteous deeds, servitude to God, and the establishment of justice in society. In the Qur'anic perspective, the intrinsic importance of security lies in its role as a prerequisite for the flourishing of devotion (‘ubūdiyyah) to God. This study, employing a descriptive-analytical method and drawing upon Qur'anic verses, examines the term “security” and its derivatives, analyzing its semantic, social, devotional, and eschatological dimensions. The findings indicate that security in the Qur'an is closely linked to faith, gratitude for divine blessings, justice, divinely guided leadership, and the psychological well-being of society. Security is presented as a divine promise ordained for communities as a result of righteous action, faith in God Almighty, and upright conduct. A close examination of numerous Qur'anic verses further demonstrates that possessing a distinct identity and a recognizable intellectual and behavioral structure plays a role in the process of establishing security. Among the distinctive features of Qur'anic security studies are: viewing security as a divine blessing and insecurity as a form of affliction and punishment; understanding security as process-oriented and method-based; emphasizing collective identity; recognizing the precedence of livelihood over security; and expanding the meaning of security to include psychological and inner dimensions. Ultimately, profound transformation in societal beliefs, precise economic and livelihood planning, safeguarding confidential matters, gratitude for blessings, and the establishment of justice are identified as key factors in the formation of security in the Qur'anic framework—elements that have been carefully examined in this study.

DOI: [10.22034/isqt.2026.14944.1012](https://doi.org/10.22034/isqt.2026.14944.1012)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی واژه «امنیت» در آیات قرآن کریم

عزیز الله مولوی

هیات علمی گروه فقه و حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی انسان و از مهم‌ترین مفاهیم قرآنی است؛ تا آنجا که فقدان آن، انسان و جامعه را به اضطراب، فروپاشی اخلاقی و زوال معنوی می‌کشاند. از این‌رو، بررسی قرآنی مفهوم امنیت، نه تنها جنبه‌ای نظری، بلکه کارکردی اجتماعی و تمدنی دارد؛ قرآن کریم امنیت را نه صرفاً یک وضعیت اجتماعی، بلکه نعمت و برکتی الهی و نتیجه‌ی ایمانی می‌داند که در بستر ایمان، عمل صالح و بندگی خداوند و در پی اجرای عدالت در جامعه تحقق می‌یابد. اهمیت اصیل امنیت در منظر قرآن به مثابه مقدمه‌ای برای شکوفایی عبودیت خداوند است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن کریم، به بررسی واژه «امنیت» و مشتقات آن پرداخته و ابعاد معنایی، اجتماعی، عبادی و اخروی آن را تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که امنیت در قرآن، پیوندی وثیق با ایمان، شکر نعمت، عدالت، رهبری الهی و سلامت روانی جامعه دارد. امنیت وعده الهی است که در نتیجه عمل صالح و ایمان به خداوند متعال و رفتار شایسته برای جوامع مقدر شده است؛ امعان نظر در آیات متعدد قرآن مبین آن است که هویت و داشتن ساختار فکری و رفتاری قابل تشخیص، در فرایند امنیت ساز دخالت دارد. نعمت و برکت انگاری امنیت و نعمت و عذاب انگاری نا امنی، فرایند و روش محور بودن مقوله امنیت، هویت جمعی داشتن، تقدم معیشت بر امنیت، توسعه معنای امنیت به امنیتهای روانی و درونی، از ویژگیهای امنیت شناسی قرآنی است و نهایتاً، تحول عمیق در باورهای جامعه، برنامه‌های دقیق اقتصادی و معیشتی، حفظ اسرار، شکر نعمت و عدالت از عوامل شکل گیری امنیت در قرآن اند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند.
واژگان کلیدی: امنیت، خوف، عمل صالح، قرآن کریم، تفسیر موضوعی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: molavie@sku.ac.ir	
ارجاع: مولوی، ع.، ۱۴۰۵، امنیت، خوف، عمل صالح، قرآن کریم، تفسیر موضوعی، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۳(۱)، ۱۲۵-۱۴۲.	



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

امنیت، به مثابه یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر، همواره مورد توجه متون دینی و اندیشه‌های الهی بوده است. «امنیت» مهمترین گمشده انسان است که برای یافتن آن چشم امید به هر سوی میدواند! افزایش آمار تجاوز به خاک، آشوبهای خشونت بار، قتل‌ها، دزدی‌ها و تجاوز به علف و هزاران نوع جرم و خطاهای فردی و اجتماعی دیگر بهترین و روشنترین دلیل این مدعاست. بدون شک امنیت یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی بشر است که وجود آن از نخستین ضروریات محسوب میشود و بدون آن زندگی سعادتمند برای تمامی مردم، امکان پذیر نمی‌باشد، امری که درواقع منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با فقدان آن، هیچگونه فعالیت فردی و اجتماعی انجام نخواهد پذیرفت. امنیت در فرهنگ دینی و اسلامی نیز از جایگاه بالایی برخوردار است و به اهمیت و ارزش این نیاز اجتماعی در آیات متعددی، از قرآن اشاره شده و در برخی از آیات نیز، قبل از پرداختن به امور دیگر این موضوع مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. ازجمله درباره سرزمین حضرت ابراهیم و اهل مکه میفرماید: «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق اهلہ من الثمرات من امن منہم باللہ و الیوم» (آخر؛ (بقره: ۱۲۱) و به یاد آور هنگامی که ابراهیم ترک کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آنها که ایمان به خدا و روز قیامت آورده اند - از ثمرات گوناگون «روزی فرما». توجه به مقوله امنیت در فرهنگ اسلامی، منحصر به آیات قرآن نمی باشد، بلکه در احادیث و روایات متعددی که از جانب معصومان جایگاه ویژه ای دارد؛ حضرت امام صادق فرمودند: سه چیز است که تمامی مردم بدان نیازمندند: «امنیت، معیشت و عدالت» (مجلسی، بی تا: ۱۷۱). موضوع امنیت، نه تنها در اسلام بلکه در تمامی مکاتب بشری و نزد تمامی عقلا و اندیشمندان عالم جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است؛ تا جایی که از نظر آنان اصولاً پایریزی و ایجاد یک تمدن و زندگی انسانی اصیل بدون آن ممکن نیست؛ همانگونه که ویل دورانت متذکر شده است: «تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ هنگامی که از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابتداع و اختراع به کار میافتد و انسان خود را تسلیم غریزه ای میکند که او را به شکل طبیعتی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد» (ویل دورانت: ۵)؛ قرآن کریم در آیات متعددی به امنیت فردی، اجتماعی، اقتصادی و روانی پرداخته و آن را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی معرفی می‌کند. اهمیت امنیت تا آنجاست که فقدان آن، انسان و جامعه را به اضطراب، فروپاشی اخلاقی و زوال معنوی می‌کشاند. از این رو، بررسی قرآنی مفهوم امنیت، نه تنها جنبه‌ای نظری، بلکه کارکردی اجتماعی و تمدنی دارد.

امنیت از مفاهیمی است که در گسترهای وسیع همراه با ارتباطیابی با مفاهیمی متنوع، بازتابی معنادار یافته است. قرآن مفهوم امنیت را در قالب واژگان متفاوت، نظیر اَمْن، ایمان و... در کنار مفاهیم محوری «سلام»، «اطمینان» و «عدم خوف» به کار برده تا روابط معنایی ویژه ای را ترسیم کند که برآیند آن نوع خاصی از جهان بینی در چگونگی تلقی جامعه از مفهوم امنیت و فرایند رسیدن به جامعه ای امن است. نکته مهم اینکه تأمین امنیت مستلزم لوازمی است، نظیر داشتن سرزمین و محل استقرار، دلیل محور بودن، برنامه های دقیق رونق اقتصادی و دفاعی، تحول باورها و رفتارها و داشتن استحکامات نظامی. هدف این مقاله، شناخت و استخراج معنای امنیت و زمینه های شکلگیری آن در قرآن است.

۲. واژه شناسی

معناشناسی واژه «امن» در قرآن

«أَمْن» معنایی ضد ترس دارد (فراهیدی، ۱۲۴۱: ۹۳۳). برخی لغت شناسان واژه «أَمْن» را هم معنای «سَلِمْ» دانسته و کاربردهای آن را در سکون و آرامش قلب دانسته اند. (فیومی، ۱۲۱۲: ۲۲). راغب اصفهانی آن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۲۱۲: ۱۴/۱). در مجموع این واژه به معنای آرامش حاکی از نبود هرگونه عامل ترس آور است؛ که سلامت فضا را به همراه دارد. واژه «أَمْن» دربرگیرنده دو بعد ایجابی و سلبی در مفهوم امنیت است؛ از یک سو مبین آرامش و سلامت فضا و وجود اطمینان نسبت به امور پیرامون است و از سوی دیگر بیانگر نبود ترس و اضطراب بر اثر تحول و تغییر وضعیت موجود می باشد؛ متعلق ترس که در معناشناسی به عنوان ضد امنیت دانسته شد، تهدید نسبت به وجود هر امری است که برهم زننده وضعیت پایدار فعلی باشد. در زبان انگلیسی واژه «Security» معادل امنیت است. این کلمه با توجه به کاربرد پر دامنه اش، به معنای سخت، پابرجا، محکم و یا مطمئن و قابل اعتماد و تضمین دانسته شده است (Oxford 1155, 2005)؛ در قرآن، مشتقات این ریشه در برابر «خوف» به کار رفته و نشان دهنده حالتی وجودی است که انسان در پناه لطف الهی تجربه می کند. سویی، از صاحب نظران حوزه امنیت، معنای امنیت را در جنبه مثبت آن به حوزه اجتماع نسبت می دهد و با ارائه تبیینی خاص، آن را مفهومی دارای دو طرف معرفی می کند؛ یکی معنای مثبت احساسی و دیگری معنای منفی آزادی از تهدیدات (سویی، ۱۹۱۴: ۵۱). سویی در این تبیین، امنیت را مقوله ای درونی و احساسی تلقی کرده است؛ البته به انحصار معنای امنیت در این نوع از روابط قائل نیست، بلکه سعی دارد مفهوم نهادینه شده از این موضوع را که بیشتر جنبه بیرونی و سلبی دارد توسعه دهد و نشان دهد امنیت تنها به حفاظت سخت و برنامه ریزی شده اطلاق نمی شود، بلکه امنیت می تواند در روابط عاطفی و احساسی نیز

جریان یابد؛ و نباید این نوع دوم را در مفهوم امنیت نادیده گرفت. وی سعی دارد دو برداشت فوق را مکمل یکدیگر نشان دهد تا امنیت در جنبه افراط خاص حبس نشود و جنبه انسانی آن که با روابط عاطفی همراه است نیز در فرایند سیاست گذار یهای کلان دیده شود (سوین، ۱۹۱۴: ۵۱). سوین در این تحلیل، ضمن عنایت به پیشینه روانشناختی واژه «Security»، به این نکته نیز توجه کرده است که گستره استعمالی اولیه آن بیشتر در جنبه فارغ‌البالی بوده است تا در مفهوم ترس و دغدغه داری. سوین بعد از بررسی لغوی امنیت در دو فرهنگ انگلیسی و فرانسوی چنین نتیجه می‌گیرد: «در ریشه کلمه امنیت، آسودگی از ناامنی با کسب و تملک معرفت، اطمینان به قابل پیش بینی بودن امور و چیزها و اطلاع از نظم عینی وجود دارد» (سوین، ۱۹۱۴: ۱۴). در این نتیجه گیری امنیت همراه با معرفت و شناخت، معرفی شده است و تحقق آن را زمانی میداند که نادانی رخت بر بسته باشد و شناخت جایگزین شده باشد. باری بوزان نیز که نگاهی موسّع به مفهوم امنیت دارد، در تعریف امنیت، رابطه ای دوسویه را میان نوع تهدید و زمینه ای آسیب پذیر برقرار می‌کند و فرایند امنیت را تلاش بازیگران آن در ارتقابخشی جامعه می‌داند تا جایی که زمینه های آسیب به حداقل برسد (باری، ۱۹۱۴: ۱۹۲). پل. دی ویلیامز امنیت را کاهش تهدید نسبت به ارزش ها دانسته است، به ویژه تهدیدهایی که اگر مهار نشوند بقای موضوع خاصی را در آینده نزدیک به خطر می‌اندازند (ویلیتامز، ۱۹۹۱: ۹۱). با دقت در زوایای امنیت، مفهومی به ذهن متبادر می‌شود که برآیند روابط اجتماعی انسانها و ویژگی‌های پیچیده و مرتبط میانفردی است. این مفهوم باعث تشخص و قابل تعریف شدن جوامع می‌گردد. می‌توان نام این مفهوم را هویت جمعی نهاد. هویت دربرگیرنده ویژگیهایی از جامعه است که این توان را دارد تا انسجام کلی نظام اجتماعی موجود را حفظ کند و با شدت و ضع آن، جامعه دچار تحول و گسست می‌گردد (ویلیتامز، ۱۹۹۱: ۱۵). در مفهوم قرآنی، هویت جامعه ایمانی برآمده از تعاملات و انتخاب جمعی است که نسبت به دین فطری (روم: ۳۰) انجام می‌گیرد و روند زندگی افراد جامعه متناسب با گزاره های رفتاری آن دین قانونمند می‌گردد و ماهیت جدیدی می‌یابد، به گونه ای که وحدت و یکپارچگی برآیند ملموس آن شناخته میشود. تعبیر متنوعی مانند «امت واحد» و تعبیر خطابی «یا ایها الذین آمنوا» و «ان الذین کفروا» بیانگر تأیید شکل گیری هویت خاص در نظام‌های اجتماعی است. امعان نظر در آیات متعدد قرآن مبین آن است که هویت و داشتن ساختار فکری و رفتاری قابل تشخیص، در فرایند امنیت ساز دخالت دارد. به همین دلیل است که قرآن بارها جامعه ایمانی را با ویژگی‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۱۴)، تقوا و عمل صالح، ایمان جمعی و رفتار متناسب با آن بازمیشناسد و در مقابل، جامعه غیر ایمانی را با ویژگیهایی دیگر معرفی می‌کند، برای مثال در آیه ششم

سوره توبه تأکید میکند فردی که از جامعه کفر برای تحقیق و شناخت حقیقت وارد جامعه ایمانی می شود باید بعد از بررسی هایش، بدون تحرک، به «مأمنش» رسانده شود، یعنی به جامعه‌ای که با افکار او هماهنگ است و در آن احساس امنیت دارد. وجود و اهمیت ویژگی هویت در جامعه است که قرآن در موارد متعدد تأکید می کند جامعه ایمانی مواظب ماهیت ایمانی خود باشد و در برابر نفوذ یا پذیرش رفتارهایی که موجب ساختارشکنی است با حساسیت عکس العمل نشان دهد. اساساً امنیت اجتماعی در جامعه ایمانی به استواری و ویژگیهای فکری و رفتاری جامعه برمی گردد که برآمده از مینه های ایمانی، یعنی دین فطری، است و عدم امنیت، به ناپودی این ساختار رفتاری است؛ بنابراین باید دانست وجود یا عدم آن موجب وجود یا عدم امنیت می گردد.

۳) انواع امنیت در قرآن

۳-۱) امنیت صادق و امنیت کاذب

با بررسی آیات ناظر بر امنیت مشخص میگردد امنیت مقوله ای است که با ادله و برهان همراه است و با رفتارهای خارج از برهان تناسب ندارد (نحل: ۲۵). دلیل محوری امنیت نتیجه ای دیگر نیز به همراه دارد و آن اینکه هر آنچه در امنیت شود لزوماً امنیت نیست. می توان براحتی از انواع امنیت های تصور شده را امنیت کاذب نامید (پرچم و عمادی و حاتمی، ۱۹۱۲: ۱۴)؛ امنیت کاذب محصول اندیشه های نادرست انسان های غافلی است که گرفتار دام شرک و کفر شده اند؛ برای نمونه قرآن گزارش می دهد کافران به آخرت بی توجه هستند و نه تنها از این بی توجهی، هیچ هراسی در دل راه نمی دهند، بلکه نفسشان نیز مطمئن و آرام است و خود را در فضای امن تصور میکنند. از منظر قرآن، این امنیت تصور شده امنیت کاذبی است که محور آن خسران می باشد (مدثر: ۵۹).

۴) ابعاد معنایی امنیت در قرآن

۴-۱) امنیت به مثابه وعده الهی

یکی از محوری ترین آیات در باب امنیت، آیه ۵۵ سوره نور است که امنیت را وعده الهی برای مؤمنان صالح می داند:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَكَيِّدَنَّاهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵)؛

این آیه نشان می دهد که امنیت: اولاً نتیجه ایمان و عمل صالح است؛ ثانیاً پس از خوف و ناامنی تحقق می یابد و در نهایت، مقدمه تحقق عبودیت خالصانه است (یعدوننی). مفسران بر این باورند که امنیت در این آیه، صرفاً امنیت ظاهری نیست، بلکه آرامش درونی و ثبات اجتماعی را نیز دربرمی گیرد (طباطبایی، ۱۲۱۲: ۱۵۵).

۲-۴) پیوند امنیت و معیشت

در سوره قریش، امنیت در کنار رفع گرسنگی ذکر شده است: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴) «تخووف»، به معنای جایگیری ترس در دل است (طباطبایی، ۱۲۱۲: ۲۱۹) این نوع از ناامنی بر اثر ارتباط فرایند پیچیده رفتار جمعی با حوادث نامتعارف و برهمزننده امنیت است؛ که قرآن کریم آن را در قالب عدم پذیرش رفتار مبتنی بر داده های دین الهی تبیین میکند تا نشان دهد اول اینکه، انسان جزئی از نظام پیچیده هستی است و دوم اینکه، رفتار او بر شکلگیری حوادث پیرامون، از حوادث جوی و طبیعی و یا حوادث مبتنی بر روابط انسانی تاثیر میگذارد. تقدیم اطعام بر امنیت، نشان دهنده پیوند وثیق امنیت اقتصادی و امنیت روانی است. امنیت با غذا و طعام آمده است. خداوند با غذا گرسنگی را برطرف می کند و با امنیت رهایی می بخشد (اطعمهم)، ثانیاً قرآن تصریح می کند که امنیت دارای هویت جمعی است و در گذشته هم موضوع امنیت بوده (آمنهم) برای رسیدن به امنیت باید خدا را عبادت کرد (فلیعبدوا) و بدون امنیت، بهره مندی از نعمت ها پایدار نخواهد بود. جامعه ای که امنیت ندارد، از توسعه، عبادت و تعالی باز می ماند..

۳-۴) امنیت و مکان های مقدس

قرآن کریم خانه کعبه را به عنوان نماد امنیت معرفی می کند: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (بقره: ۱۲۵)؛ امنیت در این آیه، زیرساخت عبادت و اجتماع دینی است. بدون احساس امنیت، مناسک دینی معنا و امکان تحقق نمی یابند. این مفهوم در دعای حضرت ابراهیم نیز تکرار می شود: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره: ۱۲۶) قرآن کریم در جای دیگر برای امنیت موجودیتی غیر از رشد اقتصادی قائل شده است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره: ۱۲۱) در این آیه، حضرت ابراهیم (ع) امنیت برای شهر مکه را درخواست کرده و روزی و رشد اقتصادی نیز برای گروه خاصی از افراد آن جامعه خواسته شده است. این مطلب میرساند مفهوم امنیت با وجود ابزار و رشد اقتصادی و رفاه متفاوت است؛ به گونه ای که ممکن است رفاه و رشد اقتصادی نباشد، ولی امنیت وجود داشته باشد؛ زیرا در بیان خداوند، رفاه و رشد اقتصادی برای غیر مؤمنان نیز پیش بینی شده است؛ در حالیکه خداوند جامعه کفار را دارای امنیت واقعی نمیداند (مدثر: ۵۹). در سیاق کلمات آیه، خایه «عدم نگرانی» در ارتباط با امور آخرت با گروه کافران هم نشین شده است. نگران نبودن، بیانگر استقرار امنیت است و چون افراد این جامعه در مورد چیزی که به حکم عقل باعث نگرانی است، بیمی ندارند و نفسشان مطمئن است، خود را در فضای امنی می بینند که در واقع وجود ندارد (پرچم، و همکاران، ۱۹۱۲: ۲۱). این آیات نشان میدهد امنیت در جامعه کفر به صورت واقعی استقرار نمی یابد.

۴-۴) امنیت روانی و اجتماعی

قرآن میان امنیت ظاهری و امنیت درونی تمایز قائل است. در سوره فتح آمده است: «لَنَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ... آمِنِينَ لَا تَخَافُونَ» (فتح: ۲۷) امنیت حقیقی، زمانی کامل می‌شود که ترس از دل انسان رخت بربندد. این آیه بر امنیت روانی در کنار امنیت اجتماعی تأکید دارد. توسعه معنای رمانیت از امنیت ظاهری به امنیت روانی از دیگر معانی امنیت در این آیه از قرآن کریم است.

۴-۵) امنیت اخروی؛ امنیت مطلق

قرآن امنیت کامل و پایدار را متعلق به آخرت می‌داند: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (حجر: ۴۶) «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (دخان: ۵۱) امنیت اخروی، عاری از هرگونه خوف، زوال و تهدید است و پاداش نهایی متقین به شمار می‌آید. مفهوم «غارت» و «تخطف»؛ این مفهوم نیز از مفاهیمی است که با هم نشینی با واژه امنیت، بیانگر تقابل معنایی با آن است. آیاتی که بیانگر چنین تقابلی است عبارتند از: «وَقَالُوا إِن تَبَتَّعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا...» (قصص: ۵۷) و همچنین آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ» (عنکبوت: ۱۲). «خطف» به معنای ربودن و گرفتن با سرعت است (راغب اصفهانی، ۱۲۱۲: ۲۳۱). استفاده آیه از واژه تخطف که به معنای پذیرش ناامنی از سوی جامعه است (مصطفوی، ۱۹۲۲: ۳۱) بیان مفهوم ناامنی، مشخص می‌کند از این واژه به مثابه استعاره استفاده شده است. استعاره موجود برای بیان غارت کردن و کشتن و اسیر کردن است (طباطبایی، ۱۲۱۲: ۵۱). این تقابل هم در آیه نخست که از زبان مشرکان بیان شده و هم در آیه دوم که سخن خداوند است تأیید شده است؛ بنابراین می‌توان دریافت که امنیت مفهومی در مقابل «غارت» دارد.

۵) زمینه های شکل گیری امنیت از نگاه قرآن

۵-۱) توحید و عبادت

از مهمترین مؤلفه های امنیت ساز در قرآن، عبادت و توجه به خداوند و کلاً توحید است؛ عنصر مهمی که جامعه را به امنیت درونی و بیرونی می‌رساند توجه خاص به خداوند و توحیدگرایی است. این نکته را آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۳) تأیید می‌کند؛ چراکه مفهوم «اطمینان» جانشین امنیت است؛ بنابراین نخستین اقدام در شکل گیری امنیت، یاد خدا و عبادت او است؛ پیامد شناخت و معرفت نسبت به اوست؛ معرفتی که بیانگر شناخت تفصیلی صفات الهی از جمله قدرت بی مانع اوست. کسی که چنین باوری را در قلب می‌پروراند و خود را به دست مدیریت چنین خدایی می‌سپارد، نسبت به رفتار خود توجه ویژه می‌یابد و روابط انسانی خود را در برخورد با جامعه بر اساس اندیشه‌ای رشد می‌دهد

که بازخورد آن کسب رضایت پروردگار باشد. این تحول رفتار در پی تحول در اندیشه ایجاد می‌گردد. عمومیت چنین رفتاری، اعتماد و احترام را در جامعه ایمانی نهادینه می‌سازد و بصیرت را در شناخت دشمن فعال می‌کند و در فرد احساس مسئولیت را نسبت به افراد ایمانی برمی‌انگیزد. فراگیری چنین فرهنگ تحولساز، ساختار جامعه ایمانی را با پشتوانه تفکر در قدرت الهی مستحکم کرده و از رسوخ اختلال در نظام رفتاری جامعه جلوگیری می‌کند. اختلال می‌تواند شامل پذیرش درخواستهای دشمن باشد؛ ولی جامعه رشدیافته بر اساس فرهنگ توحیدی، قابلیت نفوذ را از دسیسه‌های دشمن می‌گیرد. ساختار بیانی آیه ۵۵ سوره نور و نیز آیات: «وَلْيَبْذُلْنَهُمْ مَنْ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَمْناً» و «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّيْذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ» (قریش: ۹ و ۲) این امنیت در شهرهایی گزارش شده که دربرگیرنده «برکت» از سوی خداوند است. با توجه به آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا...» (اعتراف: ۱۱) برکت نتیجه ایمان و تقوای مبتنی بر آن است؛ بنابراین امنیت نتیجه رفتارهای دین‌مدارانه است که با گذشت زمان، عدالت رفتاری را در جامعه نهادینه می‌کند. همچنان آیه مذکور بیانگر این نکته است که برنامه دقیقی که نظام علی در ایجاد امنیت بر آن مبتنا دارد باید برآمده از داده‌های دین الهی باشد؛ زیرا تمرکز بر رفتاری خاص عامل شکل‌گیری شخصیت و ملکات رفتاری است و با توجه به آیه «كُلُّ يَعمَلِ عَلٰی شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۳۲) لزوماً رفتارها بر پایه صفات شخص، استوار است. آیات ۱۲۲ و ۱۲۱ سوره شعراء مبین آن است که پایبند نبودن جامعه دینی به آموزه‌های دین می‌تواند زمینه بروز آسیب در حوزه امنیت را فراهم سازد. آیات مذکور بیان‌میدارد عاملی که موجب قوام و استمرار امنیت میشود تلاش جامعه در راستای تقویت باورهای دین‌مدارانه است؛ باورهایی که در آن دشمن شناسی نیز تقویت می‌گردد.

۵-۲) شناخت و باورها

امنیت و تحول باورها و رفتارها از لوازم قطعی شکل‌گیری امنیت در ساختار معرفتی قرآن، تحول در باورها و تنظیم روابط رفتاری بر اساس آن است. این مبحث در ادامه به صورت مستقل تبیین خواهد شد. تحول در باور و رفتار آیات متعددی به تبیین ضرورت تحول در باورها همراه با شکل‌گیری رفتارها بر اساس آن برای استقرار امنیت در جامعه ایمانی پرداخته‌اند. تأمل در این آیات نکات تأثیرگذاری را نمایان می‌سازد که برای رسیدن به امنیت ماندگار و ترسیم الگویی متناسب با آن ضروری است. در ادامه، برای تقریب شاکله کلی نگاه قرآن به تحول در باور و رفتار به مثابه مؤلف امنیت، ابتدا همه آیاتی که ناظر بر این تحول هستند را ذکر نموده و سپس تبیین آن در جهت تأمین امنیت آورده میشود :

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ... وَلْيَبْذُلْنَهُمْ مَنْ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَمْناً...» (نور: ۵۵)، «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (نمل: ۳۱)، «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا

إِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ...» (انعام: ۳۲). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ...» (بقره: ۲۴۳). «أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى...» (اعراف: ۱۲). «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف: ۱۱). «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۱۴). «...وَأَيُّهَا آمِنِينَ» (سبا: ۱۸). «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ... أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَهُنَا آمِنِينَ» (شعرا: ۱۴۶ و ۱۲۱). «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قُرَى كَانَتْ آمِنًا مُطْمَئِنِّينَ...» (نحل: ۱۱۲).

۵-۳) داشتن سرزمین و محل استقرار

سرزمین مشخص و استقرار در آن را میتوان نخستین لازمه از لوازم شکل گیری امنیت تلقی کرد؛ برای مثال در آیات زیر آمده است: آیه «وَقَالُوا إِن نَّبْتَغِ الْهُدَى مَعَكَ تَخْطِفُ مِنْ أَرْضِنَا...» (قصص: ۵۲). و آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...» (عنکبوت: ۱۲). در این آیات، با ایجاد تقابل میان دو مفهوم «استقرار در سرزمین» و «تخطف» (ربوده شدن از سرزمین) نشان میدهد که مفهوم امنیت دربرگیرنده داشتن فضای مناسب زندگی و سرزمین مستقل است. «...تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ...» (انفال: ۲۱) نیز با ایجاد تقابل میان «ترس از تخطف» و «مکان دادن و یاری کردن» نشان داده است که ناامنی نتیجه نداشتن سرزمین و دور ماندن از آن است؛ به عبارت دیگر، این آیه در مقام بیان این نعمت است که مسلمانان تا زمانی که در سرزمین مستقلی، یعنی مدینه النبی، استقرار نیافته بودند، پیوسته با ترس و عدم امنیت زندگی میکردند، اما با سکونت در این سرزمین، به اشکال مختلف مورد یاری قرار گرفتند. استلزام «استقرار در سرزمین» را آیه دوم سوره مائده نیز می فهماند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» خداوند در این آیه جامعه ایمانی را از برخی امور باز داشته است. نهی خداوند مبنی بر نفی احلال است؛ یعنی «ای مؤمنان حلال شمارید» که به گفته علامه طباطبائی، یعنی حرمت این امور را نگه دارید؛ چراکه این امور به نوعی منسوب به خداوند هستند (طباطبائی، ۱۲۱۲: ۱۱۲)؛ یکی از متعلقات این دستور «آمین البیت الحرام» است؛ یعنی کسانی که قصد خانه خدا را دارند درحالیکه به دنبال کسب روزی و فضل الهی هستند (مغنیه، ۱۲۲۲: ۳۹). احلال این گروه به معنای ممانعت از انجام اعمال در سرزمین مکه است؛ پس عدم احلال درواقع به جای مفهوم امنیت به کار رفته است. این جایگزینی دربرگیرنده امر به استمرار امنیت نسبت به این گروه در این سرزمین است که بیان کننده جایگاه سرزمین در شکلگیری امنیت است. شایان ذکر است که از نگاه قرآن مکه سرزمینی امن برای همه مردم است. این افراد که از سرزمین خود که در آن امنیت داشته اند برای اهداف عبادی یا تجاری وارد سرزمین مکه شده اند خداوند دستور استمرار آن امنیت را با محوریت سرزمین مکه صادر میکند. وجود امنیت سرزمینی در شکل گیری اهداف هدایتی خداوند از چنان جایگاهی برخوردار است که موضوع محتوری درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند قرار

گرفته است (بقره: ۱۲۱). این نکته با توجه به این است که هدایتگران، محور درخواستهای خود را سالم سازی فضای هدایتی قرار می دهند؛ درحالیکه حضرت ابراهیم محور درخواست خود را امنیت شهر مکه قرار داده است - شهری که قرار است در آن جریان عمیق هدایت الهی شکل گیرد - و این، مبین جایگاه امنیت در قرآن و زمینه های شکلگیری آن در فرایند استقرار هدایت و رشد معنوی است. در این آیه، امنیت با شکل صرفی اسم فاعل نشان داده شده تا بر این نکته تأکید شود که ویژگی امنیت به طور مستقیم به سرزمین مربوط است. این نوع بیان در آیات دیگر (قریش: ۲ و ۹؛ قصص: ۵۲؛ عنکبوت: ۱۲) نیز تکرار شده است. استقرار امنیت سرزمینی منجر به استقرار عمومی امنیت میشود؛ به گونه ای که همه ساکنان سرزمین را اعم از مؤمن و غیر مؤمن در برمیگیرد. بازتاب چگونگی استجابت دعای حضرت این برداشت را به دست میدهد (بقره: ۱۲۱). محوریت سرزمین در موضوع امنیت از آیه هیجده سوره سبأ نیز قابل فهم است. این آیه آموشد بدون دغدغه در کشور را با مفهوم امنیت بیان کرده است.

۵-۴) معیشت و رونق اقتصادی

از دیگر لوازم تأمین امنیت، برنامه های دقیق اقتصادی و نظامی است. با توجه به آیه ۲۱ انفال، سه مفهوم «پناه داشتن»، «پشتیان داشتن» و «آسودگی اقتصادی» جانشین مفهوم امنیت شده است؛ زیرا این سه مفهوم در مقابل خوف و آذهای مقابل امنیت است آمده است. از سوی دیگر با توجه به آیات ۱۲ و ۱۲ سوره کهف «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ...» و «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» شکل گیری امنیت ملی مبتنی بر داشتن برنامه دفاعی منظم و متناسب با تهدیدها قلمداد شده است که بیانگر جایگاه خاص اینگونه برنامه های کلان در استقرار امنیت است. آیه ۵۵ نور فراگرد ایمان و عمل صالح را عامل شکلگیری و استقرار امنیت و از بین رفتن ترس میداند. با توجه به این آیه و آیات سوم و چهارم سوره قریش، فرایند جانشینی امنیت با ترس و ناامنی در جامعه بر پایه تحول در اندیشه ها شکل مییابد. اول اینکه، امنیت را نتیجه فرایند مبتنی بر رفتار میداند؛ دوم اینکه، موضوع این فرایند انسان است؛ سوم اینکه، مبتنی بر رفتار خدامحور است؛ رفتاری که فقط بر تعالیم الهی تمرکز دارد. در این حالت است که افراد، خود محور امنیت میشوند و بر اثر تعاملات میانفردی، امنیت در سطح جامعه انتشار مییابد. تا زمانی که چنین تمرکزی در رفتار افراد شکل نگیرد امکان امنیت با چنین گستره ای محقق نخواهد شد؛ زیرا در غیر این صورت چنین وعدهای که نوعی منت الهی بر جامعه ایمانی است، جایی ندارد؛ چراکه هر جامعه انسانی با هر راهکار معرفتی میتواند به چنین هدف بزرگی برسد. در آیه ۱۳ سوره سبأ امنیت شهرها و راهها به تقدیر الهی نسبت داده شده است. تقدیر در قرآن کریم بیانگر فرایند علی اتفاقات است (مغیبه، ۱۲۲۲: ۲۲۳؛ طباطبایی، ۱۲۱۲: ۱۲۵). اینکه خداوند

امنیت در تعاملات روزمره را مبتنی بر تقدیر کرده، نشاندهنده وجودی بودن امنیت و فرایندمحوری آن است؛ فرایندی که مستلزم برنامه ریزی دقیق و متناسب با هدفگیری در موضوع امنیت می باشد. چنین جامعه ای از رفتار مبتنی بر کفران نعمت دوری گزیده و وجود امنیت را قدر میداند. جامعه مذکور این باور را به دست آورده است که عبور از شکر نعمت میتواند نعمت به دست آمده را بستاند. با توجه به عبارت «بما کانوا یمنعون» وجود یا عدم امنیت محصول رفتار جمعی جامعه است. از آنجا که در آیه فوق، امنیت و ناامنی به «قریه» نسبت داده شده، مشخص میشود آن دو محصول فرهنگهای مختلف اند. درواقع آنچه امنیت را ایجاد کرده فرهنگ امنیت ساز است و آنچه آن را از بین برده، فرهنگ مخل آن است. درواقع دو آیه ۱۲۲ و ۱۲۱ سوره شعرا ایجاد امنیت و زوال آن را در دو فرمول مشخص ارائه نموده و در یک ساختار علی قابل لمس چینش کرده است. آیه بر آن تأکید دارد که امنیت موجود بر پایه برنامه ای دقیق و فرموله شده به دست آمده است و هر رفتاری که در جامعه به عنوان جریان رفتاری، شکل گیرد در تحولات بعد با محوریت امنیت، دخالت مستقیم میابد. درواقع بودن و نبودن امنیت مانند هر اتفاق وجودی دیگر پیامد علل مشخصی است که با عبور از آن علل، معلول نیز دچار اختلال میگردد. ادامه آیه استمرار امنیت را به تقوای الهی و تنظیم رفتار بر اساس باورهای خدامحور منوط کرده است و از آنجا که علت مبقیه با علت موجدی یکی هستند مشخص میگردد چنین جامعه امنی نتیجه رفتار جمعی تقوامحور بوده است. با توجه به آیات ۱۲ تا ۱۱ اعراف، امنیت امری واقعی است که با احساس وجود امنیت یا باور بدون پشتوانه متناسب با آن، ایجاد نمیکردد. آیه ۱۱ امنیت را امری خارج از احساس صرف دانسته و آن را پیامد عوامل مقتضی نشان میدهد و چنانچه نسبت به آن عوامل شناخت نباشد و تلاش برای بقای آنها از بین برود، امنیت نیز از دست میرود. نگاه احساسی به امنیت تنها از سوی افراد زیانده «خاسران» اتفاق می افتد؛ بنابراین امنیت نتیجه بهره گیری از توانمندیهاست و عدم بهره گیری از این توانمندیها که با عبارت خسران معرفی شده فضای مناسبی را برای شکل گیری ناامنی ایجاد می کند. خسران به معنای عدم بهره وری از داشته هاست. عدم بهره گیری از توانمندیهای افراد درواقع درافتادن در فضای بازی و رفتارهای بدون هدف است. این نوع رفتار عامل ایجاد ناامنی اجتماعی است؛ بنابراین برای استمرار امنیت باید رفتاری هدفمند و به دور از بی بندوباری انجام گیرد. رفتار بازی محور به معنای رفتار بدون برنامه و هدف قابل دفاع و مشخص است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۲۱) درحالیکه دین به معنای برنامه مشخص برای دستیابی به هدف مشخص می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۳۳ و ۱۱۲).

۵-۵) عدالت

پس ایجاد امنیت ماندگار و فراگیر نتیجه اجرای همه جانبه عدالت بویژه عدالت اقتصادی و توزیعی در جامعه است؛ عدالت هماهنگ شدن با شرایط تکوینی هستی است؛ هماهنگی رفتارها و فرایندهای توزیعی در جامعه با نظام قانونمند هستی است که امنیت را اقتضا میکند. سقوط در عملکرد ظالمانه و نهادینه شدن فقدان صداقت رفتاری در حکمرانی موجب نا امنی می شود. این نکته در آیه ۳۲ سوره انعام «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ...» انعکاس یافته است. در این آیه، نفی رفتار ظالمانه با عبارت «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» گزارش داده شده است. این نوع بیان مبین آن است که رفتار ظالمانه تناسبی با ایمان ندارد، زیرا لباس جزء بدن نیست؛ بنابراین شرط قطعی تحقق امنیت عمل متناسب با ایمان است. در آیه ۳۲ انعام، تقدم جار و مجرور بر «أَمِنَ» دلالت بر حصر امنیت در این گروه میکند. در آیه مورد بحث، هدایت محصول ایمان بدون رفتار ظالمانه تلقی شده و محصول این نوع ایمان انحصار امنیت برای آن جامعه است؛ پس اول اینکه، ایمان همراه با عملکرد ظالمانه فاقد نتیجه مطلوب است؛ زیرا هدف از ایمان شکلگیری هدایت است که آن هم محصول ایمان نتیجه بخش و اثرگذار در رفتار دانسته شده است. دوم اینکه، در آیه، عدم ظلم در سیاق نفی آمده است و این نوع بیان، هر نوع ظلمی را در برمی گیرد. پس زمانی امنیت کامل محقق میگردد که بتوان جامعه را از نظر فرهنگی به سوی روابط ایمان محور و دین مدار رهبری کرد. سوم اینکه، امنیت در آیه با توجه به هم نشینی آن با نفی ظلم، به گونهای تصویر شده است که هر رفتار یا افکاری که مصداق ظلم باشد آن را دچار اختلال و نابودی میکند. پس امنیت ضد ظلم است و از آنجا که ظلم مفهومی مقابل عدل است میتوان گفت امنیت درواقع همان جریان عدالت کلی در جامعه است. عدل سه محور را در برمیگیرد: عدل نظری و فکری، عدل عملی و عدل گفتاری؛ بنابراین امنیت همان عدالت در سه محور یادشده است. داشتن استحضارات نظامی و برنامه ای مشخص در راستای مقاوم سازی آن و ایجاد تناسب میان ابزار دفاعی موجود و تهدیدات دشمن همراه با زمینه درونی افراد ایمان، در شکلگیری امنیت ماندگار اجتناب ناپذیر است. شاید چنین تلاشی مصداقی از عمل صالحی باشد که در آیات دیگر (انفال: ۱۴) تأکید شده است. تعبیر «ما استتطعتم» در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ...» (انفال: ۱۴) نشان میدهد عملکرد صالح محور افراد باید با همه توان باشد؛ بنابراین امنیت در حوزه اجتماع و نظام سیاسی با کم کاری و امید بستن به امور واهی تحقق نمی یابد. درواقع امنیت پیامد عملکرد برنامه محور جامعه ایمانی است که با شناخت کامل دشمن و توانمندیهای او و تلاش مضاعف در رفع نیازهای جامعه صورت میگیرد. تعبیر عام «واعدوا... من قوه و رباط الخیل» بیانگر آن است که هر

آنچه زمینه توانمندی جامعه را فراهم می‌آورد، اعم از برنامه ریزی دقیق و فرهنگساز و ترسیم روابط انسانی سالم و به دست آوردن ابزار جنگی بازدارنده هر نوع تهدیدی، باید مورد تأکید قرار گیرد. این مطلب با توجه به جداسازی دو مفهوم «من قوه» و «رباط الخیل» به دست می‌آید. به عبارتی آنچه زایل کننده امنیت است اعم از حمله نظامی و تهدیدات فرهنگی است، پس باید گفت جامعه ای ایمن است که دارای انسجام فرهنگی و آینده نگر نظامی باشد.

۵-۶) شکر نعمت

مطابق آیات قرآن ناامنی؛ نتیجه کفران نعمت الهی و متقابلاً شکر نعمت امنیت آفرین است؛ سوره نحل نمونه‌ای از جامعه‌ای امن را بیان می‌کند که به سبب ناسپاسی، دچار ناامنی شد: «فَكَفَرْتَ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» (نحل: ۱۱۲) این آیه نشان می‌دهد که ناامنی، پیامد مستقیم کفران نعمت‌های الهی است و هم بعد مادی و هم بعد روانی دارد. این نکته را آیه ۱۱۲ سوره نحل نیز تأکید میکند. این آیه سرزمینی را به تصویر میکشد که بر اثر فرایند شکر محوری و ایمان مداری، امنیت اطمینانستازی را تجربه کرده است؛ ولی با گذشت زمان و بر اثر دور شدن از فرهنگ به دست آمده، زمینه‌های بروز و ظهور ناامنی آشکار میگردد؛ این ناامنی بنا به تاریخ آیه، دستاورد افراد جامعه و مردم آن شهر است؛ دستاوردی که نتیجه تحول فرهنگی آن میباشد؛ یعنی جایگزینی فرهنگ کفران نعمت با فرهنگ شکر که همان بهره‌گیری از نعمات الهی در جای مناسب و خواسته شده از سوی خداوند است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۹۳). در توضیح بیشتر نکته فوق می‌توان گفت امنیت حاصل شده باید محصول رفتار درازمدت ساکنان آن سرزمین بر اساس دین الهی باشد که بر اثر کفران بعد از فرایند شکرگزاری، از آنان سلب گردید. از آنجا که زندگی شاکرانه پیامد شناخت دقیق نعمت و نعمت دهنده است (فراهیدی، ۱۳۹۱: ۲۱۲) مشخص میگردد دین مداری در آن سرزمین جریان‌ی طولانی مدت داشته است، به طوری که با گذشت زمان رفتارها بر اساس آن شکل گرفته و شخصیت افراد مبتنی بر آن ساختار یافته است. از زمانی که کفران که محصول عدم شناخت نعمت و نعمت دهنده است جایگزین گردید پیامد مبتنی بر آن یعنی ناامنی نیز آن سرزمین را فراگرفت.

۵-۷) حفظ اسرار

«افشای اسرار»: مفهوم دیگری که در تقابل با امنیت و در ساختاری ویژه هم نشین امنیت شده، عملکرد افشاگرانه اسرار است. این تقابل در این آیه آمده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ...» (نساء: ۳۹). این مفهوم که بیانگر افشا و برملا کردن اسرار درون سازمانی است، برای نشان دادن فضای ناامنی استفاده شده است. طبق تفسیری، محتوای این افشاگری، دستاوردهای جامعه ایمانی یا کمبودهای تأثیرگذار این جامعه است

که در صورت انتشار میتواند دشمن را علیه آنها تحریک کند (طباطبایی، ۱۳۱۲: ۵۱). این مطلب، گستره مفهوم امنیت را در ساختار اجتماعی جامعه ایمانی نشان می‌دهد و بر ضرورت تقویت صفات و ویژگی‌هایی در جامعه ایمانی تأکید می‌کند که متضمن رازداری است.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که امنیت مفهومی چندبعدی و بنیادین است که با ایمان، عمل صالح، عبادت، عدالت اجتماعی و رهبری الهی پیوندی ناگسستنی دارد. امنیت در قرآن، نعمت و برکتی الهی و شرط شکوفایی انسان و جامعه است و فقدان آن، به فروپاشی مادی و معنوی می‌انجامد. از نگاه قرآن، امنیت حقیقی در سایه بندگی خداوند و در نهایت، در حیات اخروی تحقق می‌یابد. در امنیت برآمده از قرآن، مفهوم سلامت و ایجاد فضای سالم از محوریت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که هر نماد دیگری را که بیانگر عدم سلامت محیط میان فردی باشد، برنمی‌تابد؛ ناامنی در مفهوم قرآنی اش دربرگیرنده هر نوع ناملایمی است که موجب از بین رفتن آرامش جاری در جامعه میشود و متضمن گسست روابط و جدایی افراد است؛ زیرا آن را با مفاهیمی بیان میکند که بیانگر مرگ و نیستی افراد است و مرگ نیز عامل جدایی و گسست روابط خواهد بود؛ قرآن مفهوم امنیت را در قالب واژگان متفاوت به کار برده است تا شبکه‌ای گسترده از معنا را در این موضوع ترسیم کند. «امن»، ایمان، استیمان، مأمن و قالبهای دیگر در این ماده در کنار مفاهیم محوری «سلام»، «اطمینان» و «عدم خوف»، روابط معنایی ویژه‌ای را ترسیم میکنند که برآیند آن نوع خاصی از جهانبینی در چگونگی تلقی جامعه از مفهوم امنیت و فرایند رسیدن به جامعه‌ای امن است. امعان نظر در آیات متعدد ناظر بر مسئله امنیت، نشاندهنده آن است که این مفهوم دربرگیرنده عناصر معنایی ویژه‌ای بوده که ضرورتاً در بستری مشخص شکل می‌گیرد و بدون وجود آن بستر، امکان تحقق امنیت به معنای قرآنی آن وجود ندارد. دستیابی به امنیت به معنای قرآنی مستلزم تمسک به فرآیندی روشم‌محور است. در این راستا، نخست معنای پایه و اساسی امنیت در قرآن شناسایی گردید و در مرحله بعد، تحول معنایی مفهوم امنیت در دستگاه معرفتی قرآن بر اساس ترسیم ضمنی شبکه معنایی مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکلگیری آن پیگیری شد. با تحلیل مفهومی دو واژه «سلام» و «اطمینان» مشخص میگردد این دو واژه دربرگیرنده معنایی هم‌افق با امنیت هستند که به دو کارکرد متفاوت از آن اشاره میکنند. با بررسی آیات دربرگیرنده مفاهیم ناظر بر امنیت، مشخص میگردد شکلگیری فضای امن مستلزم لوازمی است. برخی از این لوازم مهم عبارت است از: داشتن سرزمین و محل استقرار،

دلیل محور بودن امنیت و همراهی آن با برهان و ادله، برنامه های دقیق رونق اقتصادی و دفاعی، تحول باورها و رفتارها و هماهنگی باورها با نظام قانونمند هستی و داشتن استحکامات نظامی و برنامه های مشخص در راستای مقاوم سازی آن. بنابراین در نتیجه گیری از مباحث مفهوم شناسی امنیت می توان گفت: قرآن کریم مفهوم امنیت را در فرایندی تحول ساز و با تشکیل روابط معناداری در به کارگیری آن با مفاهیمی مانند سلام، اطمینان، سکینه، نبود ترس و عدم ظلم معنایی ویژه را از آن ترسیم کرده است از نگاه قرآن شکل گیری امنیت نیازمند تحولی عمیق در باورها و شکل گیری نظامی منسجم از رفتار مبتنی بر آن باورها است. قرآن کریم تصور شکل گیری امنیت را بدون پشتوانه دلایل متقن که در دین ارائه شده از سوی قرآن بازتاب یافته اند، امنیت ندانسته و آن را تصویری نادرست از مفهوم امنیت میداند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۲۲۱ ق)، التحریر و التنویر، چاپ دوم، دارالحنون النشر والتوزیع، تونس.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۲۱۱ ق)، لسان العرب، ماحج امین محمد عبد الوهاب و محمد الصادق العیّدی، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاری العربی، بیروت.
۴. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۹۱۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ هشتم، شرکت انتشار، تهران.
۵. باری بوزان، (۱۹۸۳)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه مجموعه ای نویسندگان، نشر پژوهشگاه مطالعات راهبردی تهران.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.
۷. پرچم، اعظم و عمادی، سمیه و حاتمی، الله زار، (۱۹۱۲)، «معناشناسی امنیت فردی در قرآن کریم»، کتاب قیم، سال پنجم، ش ۱۲.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۲۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داوود صفوان عدنان، دارالشامیه، بیروت.
۹. سویی، ییل مک، (۱۹۱۴)، مقدمه ای بر جامعه شناسی امنیت، ترجمه محمد علی قاسمی و محمدرضا آهنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۰. شریفی، علی، (۱۹۱۲)، «نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم»، مجله حکمت معاصر، ش ۹.

۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۲۱۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم.
۱۲. عبدالله خانی، علی، (۱۹۱۲)، نظریه های امنیت، چاپ دوم، مؤسسه ابرار معاصر، تهران.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۲۴۱)، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، دارالهجره، قم.
۱۴. فیومی، احمد بن احمد، (۱۲۱۲ ق)، مصباح المنیر، دارالهجره، قم.
۱۵. قائمی نیا، علیرضا، (۱۹۳۱)، بیولوژی نص؛ نشانه شناسی و تفسیر قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، (مجموعه ۱۱۰ جلدی)، قم.
۱۷. مختار عمر، احمد، (۱۹۳۱)، معناشناسی، ترجمه سید حسن سیدی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
۱۸. مصطفوی، حسن، (۱۹۲۲)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، وزارت فرهنگو ارشاد اسلامی، تهران.
۱۹. مطیع، مهدی؛ پاکتچی، احمد؛ نامور مطلق، بهمن، (۱۹۳۳)، «درآمدی بر استفاده از روشهای معناشناسی در مطالعات قرآنی»، مجله پژوهش دینی، ش ۱۳.
۲۰. مغنیه، محمدجواد، (۱۲۲۲)، تفسیر الکاش، چاپ اول، دارالکتب اسلامی، تهران.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۹۲۲)، تفسیر نمونه، چاپ اول دارالکتب السالویه، تهران.
۲۲. ناری، قدیر، (۱۹۱۴)، درآمدی نظری بر امنیت جامعهای (مفاهیم، مؤلفه ها و نظریه ها) پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی، تهران.
۲۳. ویلیامز، پل. دی، (۱۹۱۴)، درآمدی بر بررسیهای امنیت، ترجمه علیرضا طیب، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۴. ویل دورانت، (۱۹۷۵)، کتاب تاریخ تمدن (دوره ۱۳ جلدی) مجموعه نویسندگان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۲۵. هادی، اصغر، (۱۹۱۱)، «روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه های قرآنی»، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۲۲.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی